

مقایسه تحلیلی سیره رسول خدا (ص) با دوره خلفای راشدین در تقسیم غنایم

حمزه علی بهرامی^۱

شهرام خالدی سردشتی^۲

چکیده

سیره رسول خدا (ص) در تقسیم غنایم و مقایسه آن با دوره خلفا یکی از مباحثی است که سزاوار بررسی‌های عمیق و چند سویه است. بررسی و تبیین دقیق این موضوع می‌تواند بسیاری از ابهامات تحولات بعدی تاریخ صدر اسلام، به ویژه فتنه‌های دوران خلافت امام علی (ع) را روشن نماید. غنایم از جمله مواردی است که نقش مهمی در تحولات صدر اسلام داشت. در سیره رسول خدا شاهد تقسیم غنایم بر اساس نص صریح احکام الهی و عدالت هستیم؛ درحالی که پس از آن حضرت، این رویه به تقسیمی ناعادلانه و واگذاری امتیازات بر اساس وابستگی و منافع سیاسی تبدیل شد. در دوره خلفا به دنبال فتوحات مسلمانان غنایم بسیاری به دست مسلمانان افتاد. عدم مدیریت درست غنایم، تقسیم ناعادلانه و واگذاری امتیازات بر اساس وابستگی و منافع سیاسی در این دوره، موجب تغییر ارزش‌های اسلامی شد. فاصله طبقاتی و تضاد منافع در جامعه اسلامی هویدا گشت. در نتیجه فاصله طبقاتی در جامعه اسلامی آشکار شده و زمینه ساز دنیاگرایی مسلمانان و بروز فتنه‌هایی همچون جمل، صفین و قاعدین شد. در این مقاله ابتدا با استناد به منابع اصلی و آیات قرآن، درباره پیشینه و مفهوم شناسی غنیمت پرداخته شده و سپس با روشی توصیفی - تحلیلی به مقایسه سیره رسول خدا (ص) با دوره خلافت پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: پیامبر (ص)، غنیمت، خلفا، عدالت، امتیاز.

1. استادیار گروه معارف دانشگاه اصفهان
bahrame1918@gmail.com

2. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)
sh.khaledi70@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۰



مقدمه

موضوع غنایم و بیت المال در حوادث صدر اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است. غنایم از ابتدای تشکیل حکومت اسلامی و جنگ‌های مسلمانان با مشرکان موضوع مهم و مورد بحث بود. پیامبر (ص) در ضمن بیان موارد استفاده از غنایم و بیت المال با توجه به آیات قران، یاران خویش را از دنیاگرایی و اینکه مسلمانان تحت تأثیر غنایم از احکام اسلام فاصله گیرند بر حذر می‌داشت. رسول خدا (ص) با اعمال خویش به مسلمانان می‌آموخت که غنایم و بیت المال می‌بایست براساس دستورات الهی تقسیم شوند. آن حضرت غنایم و بیت المال را وسیله‌ای برای بهتر پیاده شدن دستورات الهی و ایجاد عدالت اجتماعی و عدم به وجود آمدن فاصله طبقاتی می‌دانست. پیامبر (ص) شخصاً بر غنایم نظارت می‌کرد و مانع از دخل و تصرف دیگران در غنایم می‌شد.

در دوره خلفا غنایم در کنار عوامل معنوی تأثیر مهمی در فتوحات داشت. به دنبال فتوحات مسلمانان در شرق و غرب در دوره خلیفه دوم به بعد، غنایم بسیاری بدست مسلمانان افتاد. پس از رحلت رسول خدا (ص) اتخاذ سیاست‌های غلط در رابطه با غنایم و بیت المال باعث تغییر ارزش‌های اسلامی شد. امتیازهایی در بیت المال و غنایم به افراد خاصی داده شد. در دراز مدت این افراد امتیازها را حق خود دانسته و حاضر نبودند تا از آن دست بکشند. در واقع رفتارهای اجتماعی و جو حاصل از آن، چه در جهت مساعد و چه در جهت نامساعد بر اعتقادات فرد تأثیر می‌گذارد این تاثیرات اجتماعی به طور غیرمستقیم ابتدا اخلاق و ملکات اخلاقی فرد را منفی می‌کنند و سپس خلق ایجاد شده با اندیشه‌های متعالی ناسازگار می‌شود و فرد را دچار تناقض رفتاری، اخلاقی و اعتقادی می‌کند اما این تغییر یک امر موقتی است و در دراز مدت اندیشه‌های فرد تغییر می‌کند. (برزگر، ۱۳۸۹: ۶۰).

امتیازهای خاص مالیاتی و غنایم که به افراد داده شده بود، اندیشه و ارزش‌های جدیدی را در سطح جامعه اسلامی بوجود آورد. امتیازات و ارزش‌های جدید متعارض با دستورات اسلام بود. افرادی که دارای امتیازات خاصی بودند معمولاً از صحابه نخستین و یاران روزهای سخت رسول خدا بودند. با این وجود گذر زمان و عدم مدیریت درست غنایم و بیت‌المال باعث شد تا این افراد از اسلام ناب فاصله گرفته و فریفته امتیازات دنیوی شوند. از آنجا که این افراد دارای نفوذ زیادی در جامعه اسلامی



بودند باعث شکل‌گیری فتنه‌هایی همچون جمل و صفن و نحله‌های فکری غلطی همچون قاعدین شدند.

بدین صورت با سرازیر شدن غنائم و انبوه بیت المال به همراه تصمیم‌های اشتباه و عدم مدیریت در رابطه با این اموال دنیاگرایی در میان مسلمانان گسترش یافت. دنیاگرایی مسلمانان در درازمدت موجب غفلت آنان از اسلام حقیقی شد. زمانی که امیرالمؤمنین به خلافت رسید به مبارزه با این امتیازات برخاست که موجب شد تا بسیاری از آن حضرت کناره گرفته و مشکلات بسیاری برای آن حضرت بوجود آورند. درحقیقت یکی از مشکلات مهم دوران خلافت امام (ع) همین امتیازها بود. بسیاری از افراد برای حفظ امتیازات مالی و اشرافی خویش به مخالفت با آن حضرت پرداختند.

این مقاله به شیوه‌ی مقایسه‌ای و تحلیلی و استناد به منابع اصلی و با هدف تبیین سیره رسول خدا (ص) در تقسیم غنائم در صدد پاسخ به این سؤال است که تفاوت روش پیامبر (ص) با خلفا در مواجهه با غنائم چگونه بوده و نتایج این دو شیوه چه تاثیری بر آینده جامعه اسلامی داشت؟ همچنین در این مقاله تلاش می‌شود به این سؤالات پاسخ داده شود: سیره و هدف رسول خدا (ص) در تقسیم غنائم چه بود؟ علت اصلی تفاوت سیره رسول خدا (ص) با خلفا در تقسیم غنائم چه بود؟ اتخاذ شیوه جدید در تقسیم غنائم از سوی خلفا چه تاثیری در آینده حاکمیت اسلامی داشت؟

در رابطه با موضوع غنائم در صدر اسلام به طور خاص کتابی تألیف نشده است؛ اما در برخی از منابع به طور اجمالی به موضوع غنائم پرداخته‌اند. از جمله این کتب «تاریخ سیاسی اسلام (تاریخ خلفا)» نوشته جعفریان است. که در بخش‌های مربوط به هرخلیفه توضیحاتی کلی بیان داشته‌اند. همچنین مقاله‌ای با عنوان «برآورد کمی غنائم عصر خلفای راشدین و برخی پیامدهای آن» نوشته علی یوسفی به موضوع کمی غنائم این دوره پرداخته است و به مسئله تاریخی و سیاسی آن چندان پرداخته است.

مفهوم شناسی (در لغت، اصطلاح و قرآن)

درمورد دایره معنایی غنیمت نظرات متفاوتی بیان شده است. ابن منظور در لسان العرب غنیمت را چنین معنا کرده است: «الْغُنْمُ: الْفَوْزُ بِالْشَيْءِ فِي غَيْرِ مَشَقَّةٍ» (ابن منظور، بی تا: ۴۴۵/۱۲). در این این



تعریف غنیمت شامل منافی است که شخص بدون رنج و سختی به دست آورد؛ مثل هدیه یا میراثی که بدون هیچ سختی به شخص برسد. اما علاوه بر این تعریف راغب در مفردات در معنای عام تری غنیمت را شامل همه منافی که چه بدون زحمت و چه در جنگ بدست آید تعریف می‌کند (راغب اصفهانی، بی تا: ۶۱۵). در قرآن نیز چند بار مشتقات (غنم) غنیمت آمده است. در آیه‌های ۹۴ سوره نساء ۴۱ انفال-۶۹ انفال-۱۵ فتح، ۱۹ و ۲۰ فتح آمده است. در این آیات لفظ غنیمت شامل همه منافی است که چه به صورت جنگ و چه غیر از آن مسلمانان بدست آورند (رازی، ۱۴۲۰: ۱۱/۱۹۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰/۹) در این جا لفظ غنیمت معنای عام تری پیدا می‌کند. علاوه بر این دو تعریف، معنای دیگری نیز برای غنیمت است. در دوره خلیفه دوم به دلیل گستردگی فتوحات در شرق و غرب، ثروت امپراتوری‌های ساسانی و روم به سرزمین مسلمانان سرازیر شد. به دلیل همین گستردگی فتوحات و اموال بسیاری که به دنبال داشت؛ لفظ غنم یا غنیمت به کلیه اموال و ثروت‌هایی که از طریق جنگ بدست می‌آمد اطلاق شد.

در این مقاله نیز غنیمت در معنای سوم آن یعنی همان اموال و ثروت‌هایی که در جنگ بدست می‌آید مورد نظر است. همچنین از آنجا که منبع اصلی بیت المال حداقل در زمان خلفای نخستین همین غنایم بوده در این مقاله بیت المال نیز در کنار غنایم مورد بررسی قرار گرفته است.

غنیمت در دوران جاهلیت

طبیعت زندگی اعراب جاهلی ایجاب می‌کرد که آنان همواره به دلایل گوناگون با یکدیگر درگیر جنگ باشند. انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، مانند یافتن چراگاه و محل زندگی، تنگی معیشت و امید به یافتن غذا و غنیمت، انتقام و خونخواهی و مهم‌تر از همه عصبیت‌های قومی و قبیله‌ای، آتش جنگ را میان اقوام عرب، به ویژه بادیه‌نشینان، برمی‌افروخت. در میان شهرنشینان، مانند ساکنان مکه و یثرب و طائف، علاوه بر این انگیزه‌ها، دلایل دیگری، مانند دفاع از قافله‌های تجاری در برابر غارتگران بادیه‌نشین، نیز در بسیاری موارد اسباب جنگ را فراهم می‌آورد.

اعراب در دوران جاهلی به اموال بدست آمده در جنگ‌ها سلب و نهب و حرب می‌گفتند که معادل با غنیمت در دوران اسلام است (حسینی واسطی، ۱۴۱۴: ۲/۴۵۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۷۷۳؛ ابن عطیه،



۱۴۲۳: ۳۲/۱). اعراب جاهلی هرآنچه را در جنگ از دشمن می‌گرفتند جزء غنائم بود. آنان قوانین خاصی در تقسیم غنائم داشتند. سه چهارم غنائم به صورت مساوی میان همه جنگجویانی که در جنگ حضور داشتند تقسیم می‌شد که به آن مربع می‌گفتند (مهیار، ۱۳۷۵: ۸۰۳). آنچه را که قبل از میدان جنگ در مسیر به دست می‌آوردند نشیطه می‌نامیدند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰۱/۸؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۴۰۴/۳). آنچه از غنائم که مورد توجه فرمانده قرار می‌گرفت و آن را برای خویش برمی‌داشت صفیه نام داشت (حسینی واسطی، ۱۴۱۴: ۵۶۲/۷). پس از تقسیم غنائم میان افراد آنچه که باقی می‌ماند فضول می‌گفتند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰۱/۸؛ شاطبی، ۱۴۲۰: ۳۴۱).

علاوه بر این‌ها بنظر می‌رسد جنگجویان اعراب در دوران جاهلی هرآنچه را که در میدان نبرد برای خویش برمی‌داشت از آن وی بود؛ شاید به همین دلیل در جنگ احد مسلمانان جایگاه خود را رها کرده و به انگیزه دست یافتن به غنائم به سوی میدان شتافتند تا از غنائم چیزی بردارند (واقدی، ۱۳۶۹: ۱۶۶). در میدان جنگ، اگر شخصی اسیری می‌گرفت از آن وی بود. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۷۵ / ۵) زنانی که در جنگ اسیر می‌شدند نیز به عنوان کنیز و برده به غنیمت گرفته می‌شدند که با توجه به جایگاهی که در قوم خود داشتند ارزش آنان مشخص می‌شد. (همان، ۲۴۳؛ سالم، ۱۳۹۱: ۳۲۶).

غنائم در دوره رسول خدا (ص)

پس از هجرت رسول خدا (ص) به یثرب، در برابر سختی‌هایی که مشرکان از اطراف یثرب به تحریک قریش بر رسول خدا (ص) و یارانش تحمیل می‌کردند، آن حضرت (ص) واکنش نشان داده و هم زمان آیات مربوط به جهاد هم نازل شد (ابن هشام، بی تا: ۳۹۲/۱؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۰۳/۱، ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۹۳۷/۳). براساس آیات قرآن مبنای جنگ و جهاد در اسلام دفاعی است نه تهاجمی (حج: ۳۹؛ بقره: ۱۹۰). لذا پس از تهاجم از طرف مشرکان خداوند اجازه مقابله با آن‌ها را به مسلمانان صادر کرده و به رسول خدا (ص) دستور جمع آوری سپاه داده و مسلمانان را ترغیب به جهاد کرد (انفال: ۶۰). به دنبال جهاد در جنگ‌هایی که مسلمانان به پیروزی می‌رسیدند غنائم نیز بدست می‌آمد.

نخستین غنیمت در اسلام در سال دوم هجری در سریه عبدالله بن حشیش نصیب مسلمانان شد (ابن هشام، بی تا: ۳۹۶/۱؛ واقدی، ۱۳۶۹: ۱۱/۱؛ ابن کثیر، ۱۹۹۲: ۳۷۶/۳). در قرآن کلمه انفال برای



غنیمت‌های جنگی به کار رفته است که عام‌تر از آن است و شامل فی و بیت المال و... هم می‌شود. و به معنای زیادی هر چیزی است (انفال: ۱). بعد از جنگ بدر میان مسلمانان بر سر غنائم اختلاف شد و گروهی که غنائم را جمع کرده بودند آن‌ها را حق خود می‌دانستند و گروهی دیگر که در میدان مشغول نبرد بودند و چیزی به آن‌ها نرسیده بود خود را سزاوارتر از دیگران در غنائم می‌دانستند. از رسول خدا (ص) در مورد غنائم سؤال کردند که سوره انفال نازل شد (ابن هشام، بی تا: ۳۹/۲).

خداوند برای رفع اختلافات میان مسلمانان غنائم را مخصوص خدا و رسول خدا (ص) دانست (انفال: ۶۱؛ واقدی، ۱۳۶۹: ۷۴/۱). سهم فرمانده را از یک چهارم که در دوره جاهلیت مرسوم بود به یک پنجم کاهش داد، از طرفی بر گستردگی مصرف آن افزود و غنیمت را شامل حال کسانی چون در راه ماندهگان و یتیمان دانست (۴۱ انفال). رسول خدا (ص) پس از اختلاف مسلمانان بر سر غنائم دستور داد تا غنائم را جمع آوری کردند و فردی را بر آنان گماشت (انفال: ۶۱؛ واقدی، ۱۳۶۹: ۷۴/۱). بعد از نازل شدن سوره انفال رسول خدا (ص) غنائم را به طور مساوی میان همه تقسیم کردند و میان هیچ یک از افراد شرکت کننده در جنگ فرق نگذاشت. حتی کسانی که به نحوی به مسلمانان در جنگ کمک کرده بودند سهم داد (ابن هشام، بی تا: ۶۴/۲؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۹۶۵/۳).

رسول خدا (ص) در جنگ‌های خود بلافاصله دستور می‌دادند غنائم را جمع آوری کنند و فردی را بر غنائم می‌گماشتند تا چیزی از غنائم کم و کاست نشود. مثلاً در جنگ بدر و حنین رسول خدا (ص) چنین اقدام کردند (همان: ۳۹/۲؛ واقدی، ۱۳۶۹: ۷۰۰۱۳۶۹، ۲/۲) سپس بدون در نظر گرفتن پایگاه اجتماعی افراد و بر اساس عدالت و دستورات الهی همه را برابر می‌دانستند و غنائم را به صورت مساوی میان همه تقسیم می‌کردند. زیرا هدف از جهاد نه بدست آوردن غنائم، بلکه یاری رساندن به مظلومان و مستضعفان و بر پایی عدالت است.

رسول خدا (ص) غنائم را ذخیره نمی‌کردند که باعث اختلاف و یا چشم طمع دیگران شود و بلافاصله بعد از جنگ آن‌ها را میان مسلمانان تقسیم می‌کردند. نبی اکرم بارها به مسلمانان یادآوری می‌کرد که هدف از جهاد غنیمت نیست و در موارد بسیاری از بی ارزش بودن غنائم سخن می‌گفتند. مثلاً وقتی مسلمانان اصرار در تقسیم غنائم داشتند و گرد رسول خدا (ص) جمع شده بودند رسول



خد (ص) در مورد بی ارزشی غنائم فرمودند: که اگر تمام خارهای بیابان گوسفند بودند باز هم آنها را میان شما تقسیم می‌کردم و مال دنیا برای من بی‌ارزش است (ابن هشام، بی تا: ۳۱۳/۲؛ واقدی، ۱۳۶۹: ۱۱۷/۲). رسول خدا (ص) در تقسیم غنائم نهایت عدالت را اجرا می‌کرد. مسلمانان را از تصرف در غنائم سخت باز می‌داشت. آنها را از برگرفتن حتی نخ و یا سوزنی نهی می‌کرد (ابن هشام، بی تا: ۳۱۳/۲) کسی را که به ناحق چیزی از غنائم بر می‌گرفت را اهل جهنم معرفی می‌کرد. مثلاً وقتی غلامش مدغم در جنگ وادی القری کشته شد و مسلمانان او را شهید دانستند رسول خدا (ص) او را به خاطر تصرف در غنائم خیبر از اهل جهنم دانست (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۰۷۲/۳).

پیامبر اکرم (ص) از این که مسلمانان به قصد غنیمت از اصل جهاد غافل شوند به یاران خود تذکر می‌داد. مال دوستی، حرص و طمع در جمع آوری آن را عاملی برای فاصله گرفتن از اصل جهاد و اسلام می‌دانست. مثلاً رسول خدا (ص) به ابوعبس بن جبر که در آن زمان فرد فقیری بود گفت: که در آینده مال شما زیاد خواهد شد و این برای شما خوب نیست (واقدی، ۱۳۶۹: ۴۸۳/۲). یا قبل از جنگ خیبر به سربازان فرمود: اگر مقصد شما غنیمت است به میدان جنگ نیاید (همان، ۴۸۲).

هدف از جهاد برقراری دین الهی است و پیامبر اکرم فرستاده‌ای است از طرف خدا که هیچ چیز برای او مهم‌تر از ایمان آوردن مردم و هدایت بشر نبود به همین دلیل رسول خدا (ص) برای بدست آوردن دل مشرکان و خالی کردن دل آنها از تعصب و افکار جاهلی و افکندن نور ایمان در دل آنها گاهی بیش از دیگر مسلمانان از غنائم به آنها عطا می‌کرد (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۱ / ۴۲۶-۴۲۵). مثلاً در جنگ حنین رسول خدا (ص) غنائم زیادی به تازه مسلمانان مکه داد که باعث اعتراض انصار و مهاجرین شد که رسول خدا (ص) فرمود که به خاطر بدست آوردن دل آنها از غنائم به آنان بخشیده در حالی که آنها را به ایمانشان واگذاشته است.

رسول خدا (ص) این موضوع را روشن می‌کند که جایگاه کسانی که ایمان دارند نسبت به کسانی که خواهان دنیایند بسیار بالاتر است و اگر هم مالی به آنها می‌بخشد بخاطر ایمان آوردن آنهاست. رسول خدا (ص) به این امر توجه داشتند که فاصله غنی و فقیر میان مسلمانان زیاد نشود. یکی از اهداف جهاد و تقسیم غنائم هم همین است. به همین دلیل غنائم بدست آمده از جنگ با یهودیان بنی



نضیر را میان مهاجرین که خانه و کاشانه‌ای نداشتند و دو نفر از انصار که فقیر بودند تقسیم کرد (واقدی، ۱۳۶۹: ۲۸۱/۱؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳/۱۰۱۱؛ یعقوبی، ۱۳۴۲: ۱/۴۰۹-۴۰۸).

با این وجود پیامبر (ص) در این مورد خاص قبل از تقسیم غنایم از انصار نظرخواهی می‌کند که آیا حاضرند این غنایم را به مهاجرین ببخشند و یا این که به صورت مساوی میان همه مسلمانان تقسیم شود ولی مهاجر در خانه انصار بمانند (واقدی، ۱۳۶۹: ۲۸۱/۱). در حقیقت رسول خدا (ص) غنیمت‌های بدست آمده را حق همه مسلمانانی می‌داند که به نحوی در نبرد با دشمن نقش داشتند و هیچ کس نسبت به دیگری حق بیشتری ندارد.

رسول خدا (ص) با این عمل مانع از ایجاد فاصله طبقاتی میان مسلمانان شد. آن حضرت بعد از جنگ بلافاصله غنایم را میان مسلمانان تقسیم می‌کردند. مانع از تصرف دیگران در غنایم می‌شدند. در تقسیم غنایم نهایت عدالت را اجرا می‌کردند. این گونه بود که حق همه مسلمانان را می‌داد ولی امتیازی برای کسی قائل نمی‌شد. این خود باعث می‌شد تا فاصله طبقاتی هم میان مسلمانان به وجود نیاید.

رسول خدا (ص) شاید در جایی سهم کسی را در جنگ بیشتر قرار می‌داد مثلاً سهم آن کس که اسب داشت را بیشتر از سرباز پیاده قرار می‌داد (مسعودی، ۱۳۴۹: ۲۱۷). این به دلیل مخارج اسب بود زیرا در جایی چون عربستان نگهداری اسب هزینه بالایی داشت و اسب نیز در جنگ کارایی بیشتری داشت. رسول خدا (ص) با این عمل باعث تشویق مسلمانان به نگهداری اسب و شرکت در جنگ با اسب می‌شدند؛ که باعث نیرومندتر شدن مسلمانان در میدان نبرد می‌شد. درجایی دیگر اگر رسول خدا (ص) به افرادی برای مؤلفه قلوبهم غنایم بیشتری عطا می‌کرد و یا به کسانی که فقیرند در مقطع زمانی خاص مقدار بیشتری از غنایم را اختصاص می‌داد این‌ها همه موقتی است و آن را امتیازی برای افراد قرار نمی‌داد. به طور خلاصه باید گفت رسول خدا (ص) در تقسیم غنایم، عدالت، مدیریت و حق را رعایت می‌کردند ولی هیچ امتیازی به کسی نمی‌دادند که باعث تبعیض میان مسلمانان شود رسول خدا (ص) اینگونه با مدیریت درست غنایم را فوراً تقسیم می‌کرد و غنایم را ذخیره نمی‌کرد و بیت المال را به صورت مساوی میان همه تقسیم می‌کرد.

خلافت ابوبکر سرآغازی در کسب غنایم



هنگامی که ابوبکر به خلافت رسید اوضاع ممالک اسلامی آشفته بود. از طرفی افرادی ادعای پیغمبری کرده بودند و برای خویش نیرو و تدارک دیده بودند (ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۹). از سویی دیگر گروهی بر دین اسلام مانده بودند ولی ابوبکر را به عنوان خلیفه قبول نداشتند و از دادن خمس و زکات به خلیفه خودداری کردند (همان، ۳۵). اسامه بن زید به همراه سپاه خویش که پیامبر دستور داده بود برای جنگ راهی شوند نیز همچنان در مدینه مانده بودند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/۲؛ مسعودی، ۱۳۴۴: ۶۵۹/۱). خلیفه اول که نیروی زیادی در اختیار داشت آنان را راهی جهاد با نواحی مرزی کرد. خلیفه اول دیگر نیروهای جنگی مسلمان را نیز برای سرکوب مدعیان دروغین یا همان اهل رده فرستاد (طبری، ۱۳۷۵: ۴ / ۱۳۶۵-۱۳۶۴). خلیفه اول با این سیاست، مسلمانان را برای استقرار و گسترش اسلام به نواحی اطراف ارسال کرد. وی برای آرام کردن فضای بعد از ارتداد و مشغول نمودن مسلمانان برای عدم اعتراض به خلافت او در نامه‌ای برای فتح شام افراد را به کسب غنائم دعوت کرد به گونه‌ای که کسانی که اخلاص داشتند و کسانی که طمع، جمع شدند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۶۵). درحالی که رسول خدا (ص) همواره تاکید داشتند که از مهم‌ترین اصول در جهاد اخلاص می‌باشد. مسئله فتوحات در حقیقت سرآغازی برای تأثیر بر مهم‌ترین حوادث بعدی در تاریخ اسلام بود. قائله اهل رده به پایان رسید و سایر نیروهای داخلی نیز به سوی مرزها روانه شدند. پیروزی مسلمانان همراه با غنائم و سرزمین‌های تازه بود. خلیفه نخست چندان زنده نماند تا تصمیم خاصی در رابطه با غنائم و سرزمین‌های بدست آمده اتخاذ کند. در همان اندازه که زنده بود بر اساس سنت رسول خدا به تقسیم غنائم پرداخت. درواقع در دوره خلیفه نخست بیت المال هنوز زیاد نبود و او نیز به صورت مساوی میان مسلمانان تقسیم می‌کرد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱۷/۲).

عمر بن خطاب و برپایی دیوان

در دوره خلیفه دوم جایگاه خلافت مستحکم شده بود. نیروهای بسیاری برای جهاد به نواحی مرزی ایران و روم راهی شده بودند. خلافت عمر بن خطاب هم زمان با گسترش فتوحات اسلام بود. از این رو غنیمت‌های زیادی در فتوحات مسلمانان بدست می‌آمد که به سمت مدینه روانه می‌شدند. این غنائم همراه با خبرهای پیروزی مسلمانان در شرق و غرب بیش از پیش مسلمانان را ترغیب می‌کرد تا



به مجاهدین ببیوندند. در نتیجه فتوحات بسیاری را در دوره خلافت عمر بن خطاب شاهد هستیم. به دنبال این فتوحات زمین‌ها و غنائم بسیاری نیز بدست آمد.

باید گفت که علاوه بر جهاد در راه خدا و گسترش دین اسلام، کسب غنائم، شهرت و کنجکاوی مردان دلیر نیز در این فتوحات بی‌تأثیر نبوده است. در زمان عمر به دلیل امتیازاتی که او برای افراد در جنگ‌ها قائل می‌شد بر مبنای حضور در جنگ‌ها و تقسیم بیت‌المال افراد زیادی به جهاد روی آوردند و عمر به پیروزی بیش از هدف اصلی جهاد توجه داشت (طبری، ۱۳۷۵: ۵/ ۱۷۹۵-۱۷۹۴).

اکنون که غنائم بسیاری به دست مسلمان رسیده بود. تقسیم این غنائم از مهم‌ترین امور بود. خلیفه دوم ابتدا بیت‌المال را به صورت مساوی میان همه تقسیم می‌کرد؛ ولی بعد با سرازیر شدن غنائم و مالیات‌های فراوان دیوان برپا کرد. خلیفه دوم بیان داشت «مال‌ها فراوان شده است» (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۰/۲) پس به وی پیشنهاد شد که دفتر ترتیب دهد. عمر افراد را بر اساس خویشاوندی رسول خدا (ص) و سپس سابقه اسلام افراد به طبقات مختلف تقسیم کرد و برای هر کدام سهمی قرار داد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۲۹؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۲-۴۰/۲). این اقدام او باعث بوجود آمدن امتیازهایی میان مسلمانان و برتری برخی بر برخی دیگر شد. به گونه‌ای که طلحه و زبیر به نحوه تقسیم بیت‌المال توسط حضرت علی (ع) اعتراض کردند. و در واقع خواهان امتیازاتی بودند که در دوره عمر داشتند و آن را حق خود می‌دانستند. امام علی (ع) در پاسخ به آن‌ها یادآوری کرد که روش او در تقسیم بیت‌المال به صورت مساوی مانند رسول خدا (ص) است و روشی نیست که به خواسته دل خود انجام داده باشد (ابن شهر آشوب، بی تا: ۱۱۱/۲).

روش تفضیلی در تقسیم غنائم از طرفی باعث فاصله طبقاتی زیاد میان مسلمانان شد که گروهی به اموال زیادی دست یافتند و از طرفی این امتیازات را حق خود می‌دانستند و حاضر به دست کشیدن از آن‌ها نبودند. چنان که وقتی امام علی (ع) به خلافت رسید و این امتیازات را لغو کرد سران و بزرگان طبقه ثروتمند به او گفتند که حق ما را بده و به ما ظلم نکن. که امام در جواب آن‌ها گفت: که تقسیم بیت‌المال با در نظر گرفتن امتیازات ظلم است و مال خدا را باید بطور مساوی میان همه تقسیم کرد (نهج البلاغه، ۱۳۷۳: ۲۹۳-۲۹۲). وقتی به آنچه می‌خواستند نرسیدند به مخالفت با امام پرداختند.



امتیازات یکی از علل فاصله گرفتن مسلمانان از اسلام بود که نمود آن در زمان امام علی (ع) مشخص شد. خلیفه دوم نیز خود به این موضوع پی برده بود که امتیازات باعث فساد در جامعه اسلام شده به گونه‌ای که در سال پایانی عمر خود گفته بود که در تقسیم بیت المال بر مبنای تفضیل بدنبال الفت و دوستی یاران رسول خدا (ص) بوده و اگر همین سال زنده باشم مانند رسول خدا (ص) و ابوبکر همه را سهم مساوی خواهم داد (طبری، ۱۳۷۵: ۶۱۴/۳؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۲/۲) خلیفه دوم به خوبی تأثیر غنائم و دنیاگرایی را بر مسلمانان دریافته بود. وی درجایی گفته بود اگر بخواهم مردم را با قطع بیت المال کافر می‌کنم (اسکافی، ۱۴۰۲: ۸۷). سخن خلیفه این موضوع را آشکار می‌کند که تا چه اندازه مردم به بیت المال و دنیاگرایی روی آورده بودند.

درحقیقت در فاصله رحلت رسول خدا (ص) تا به خلافت رسیدن امام علی (ع) یکسری اتفاقات رخ داد که جامعه ساده زیست اسلامی را که حضرت رسول (ص) پایه ریزی کرده بود به دنیاگرایی و اشرافیت کشاند. شاید یکی از مهم‌ترین پیامدهای تقسیم غنائم توسط خلیفه دوم اجتهاد وی در تقسیم غنائم بود که بعد ها در زمان خلفای بعدی با توجه به همین دیدگاه شخصی عمر در رابطه با غنائم خلیفه سوم نیز به بیت المال همچون اموال شخصی می‌نگریست که هرگونه که بخواهد می‌تواند در آن دخل و تصرف کند (جعفریان، ۱۳۹۲: ۲ / ۱۵۷-۱۵۶). یکی از مهم‌ترین تأثیرات غنائم در اواخر خلافت خلیفه دوم تأثیر آن در شورای شش نفره وی بود. در شورا از جمله شرط‌هایی که عبدالرحمن بن عوف بیان داشت مراعات سنت دو خلیفه پیشین بود. (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۰: ۴۷) درحقیقت منظور آنان عدم لغو امتیازاتی بود که خلفای پیشین برای ایشان قرار داده بودند و نمی‌خواستند که این امتیازات را از دست دهند. بنابراین با طرح این شرط امتیازات طبقه اشراف را ضمانت کردند. امام به دلیل مخالفت با این امتیازات این شرط را نپذیرفت. چنان که بعدها وقتی مردم به عنوان خلیفه مسلمین با امام علی (ع) بیعت کردند امام در رابطه با چپاول غنائم و بیت المال خطاب به مردم فرمود: «به خدا قسم بیت‌المال تاراج شده را هرکجا که بیابم به صاحبان اصل آن برمی‌گردانم اگر چه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند زیرا عدالت گشایشی برای عوام است و آن کس که عدالت بر او



گران آید تحمل ستم بر او سخت تر است». (نهج البلاغه: ۳۹) همین موضوع باعث شد که شورا عثمان بن عفان را انتخاب کنند تا بتوانند نفوذ و قدرت خویش را حفظ کنند.

خلیفه سوم، بذل و بخشش بیت المال

خلیفه سوم، بیش از خلفای قبلی به انباشت بیت المال اقدام کرد. وقتی در سال ۳۴ هجری اعتراضات نسبت به او به اوج خود رسید و با برخی از فرمانداران خود به مشورت پرداخت در آن میان عبدالله بن ابی سرح به او گفت: که اموال را از بیت المال بیرون آورد و میان مردم تقسیم کند (طبری، ۱۳۷۵: ۶ / ۲۲۰۹-۲۲۰۸). این نشان از وجود اموال بسیاری در بیت المال بود. چنان که وقتی امام علی (ع) به خلافت رسید اموال بسیاری در بیت المال بود که آن‌ها را به صورت تساوی میان مسلمانان تقسیم کرد.

عثمان همچنین برای خود خانه‌هایی به شکل کاخ ساخته بود (مسعودی، ۱۳۴۴: ۱ / ۶۸۹-۶۹۰). اموال بیت المال را هر طور که دوست داشت به اقوام و نزدیکانش می‌بخشید. چنان که در نامه‌ای که مسلمانان معترض به عثمان نوشتند این موضوع را بیان کردند که چرا نزدیکان خود را به سرپرستی شهرها گماشته و یا خمس آفریقا را به مروان بن حکم داده است (دینوری، ۱۳۸۴: ۵۵).

اگر خلیفه دوم در تقسیم بیت المال به مواردی چون سابقه افراد در اسلام توجه داشت؛ عثمان با بخشش آن به نزدیکانش آن را صله رحم می‌دانست (بلاذری، ۱۹۳۶: ۵ / ۲۵). اگر چه خلیفه دوم در تقسیم بیت المال برخی را بر دیگران ترجیح داد ولی نسبت به فرمانداران خود سخت گیر بود و خود او نیز زندگی ساده‌ای داشت. اما عثمان با این نگاه که بیت المال جزء اموال خلیفه است آن را هرگونه که می‌خواست خرج می‌کرد. بذل و بخشش‌های عثمان باعث اعتراض مسلمانان شد و بر همین اساس عبدالله بن ارقم خزانه دار عثمان از فرمان او مبنی بر اعطای اموال گزاف به افرادی خاص خود داری کرد و از خزانه داری کناره گرفت (همان، ۵۹-۵۸). او حتی کسانی چون: عمر بن ابی عاص را که در زمان رسول خدا (ص) تبعید شده بود مأمور جمع آوری صدقات قبیله خزانه قرار داد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۶۹/۲؛ دینوری، ۱۳۸۴: ۵۵). هم چنین حکومت کوفه را به دست ولید داد که فردی شراب‌خوار بود و به دست امام علی (ع) حد خورد (مسعودی، ۱۳۴۴: ۱ / ۶۹۳). او عبدالله بن عامر پسر خاله‌اش را به



اداره حکومت بصره گماشت (طبری، ۱۳۷۵: ۲۱۰۹/۵). وی با گماشتن این افراد به مناصب حکومتی و آزاد گذاشتن ایشان در تصرف در بیت المال و همچنین با انباشت بیت المال و تصرف در آن و بخشش آن به نزدیکانش باعث فساد در بیت المال شد. و از آنجا که زمینه این فساد و دنیاگرایی از زمان خلیفه دوم شروع شده بود در زمان امام علی (ع) افراد زیادی که در دوران خلفای قبل امتیازات خاص داشتند حاضر به دست کشیدن از این امتیازات نشدند و این شروعی بود برای اختلاف میان مسلمانان، به گونه‌ای که امام علی (ع) برای برپایی احکام الهی و سنت رسول خدا (ص) مجبور به جنگ‌های بسیاری همچون جمل، صفین و نهروان با این قبیل افراد شد.

سیره امام علی (ع) در تقسیم غنائم و بیت‌المال

موضوع تقسیم بیت المال یکی از مهم‌ترین مباحثی بوده است که عموماً در طول حکومت خلفا و امیرالمؤمنین (ع) و همچنین بعد از ایشان با چالش روبرو بوده است؛ و همواره باعث بروز اختلافات شده تا جایی که گاهی منجر به تعویض حاکمین گردیده است. حضرت علی (ع) در مساله بیت المال بر اساس منطق قرآن و سنت رسول خدا (ص) و بدون توجه به وابستگی‌های گروهی یا قبیله‌ای عمل می‌کرد.

تقسیم غنائم براساس قرآن و سنت

امام علی (ع) در پیاده کردن احکام و دستورات اسلامی بر اساس قرآن و سیره پیامبر (ص) اقدام می‌کردند. به همین جهت هنگامی که خلافت را پذیرفتند بر اساس قرآن و سیره رسول خدا (ص) همه مسلمانان را یکسان، و بیت‌المال و غنائم را حق همه مسلمانان می‌دانستند. در همین راستا حضرت امیر (ع) در ابتدای خلافت خویش فرمود: «به خدا قسم بیت‌المال تاراج شده را هرکجا که بیابم به صاحبان اصل آن برمی‌گردانم اگر چه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند زیرا عدالت گشایشی برای عوام است و آن کس که عدالت بر او گران آید تحمل ستم بر او سخت تر است» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۳: ۳۸ / ۷). امام از ابتدا سیاست خود در قبال بیت‌المال و غنائم را بیان داشتند تا همگان



بدانند که آن حضرت همچون گذشته برای برخی از افراد امتیازی خاص قائل نخواهند شد به همین دلیل به دنبال این گفتار آن را عملی کرد.

امام (ع) به عبید الله بن ابی رافع، کاتب خود فرمود: همه مسلمانان از مهاجر و انصار، عرب یا عجم همه را در تقسیم بیت‌المال برابر سهم دهد. سهل بن حنیف که از انصار بود به آن حضرت اعتراض کردند که سهم او و غلامش را برابر می‌دهد امام در جواب او فرمود: تنها تقواست که موجب برتری است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۰/۳۲) طلحه و زبیر نیز به نحوه تقسیم بیت‌المال توسط امام اعتراض کردند و خواهان سهم بیشتری بودند آن حضرت قرآن و سنت رسول خدا (ص) را دلیل اصلی تقسیم بیت‌المال به صورت مساوی بیان می‌کند (ابن شهر آشوب، بی تا: ۱۱۱/۲). امام نسبت به بیت‌المال که حق همه مسلمانان است مصلحت سنجی نمی‌کند و به هیچ وجه راضی نمی‌شود که از بیت‌المال برای پیشبرد اهداف شخصی استفاده کند.

تقسیم عادلانه بیت‌المال

در بسیاری از خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (ع) به موضوع تقسیم عادلانه بیت‌المال و حساسیت این موضوع پرداخته شده است؛ به گونه‌ای که در بیشتر نامه‌های آن حضرت به کارگزارانش به موضوع بیت‌المال اشاره شده است. زمانی که به امام پیشنهاد شد از بیت‌المال به بزرگان ببخشد تا به معاویه نگرند امام در رابطه با بیت‌المال می‌فرماید: «اگر این اموال از خودم بود به گونه‌ای مساوی میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جز اموال خداست» (بحرانی، ۱۴۱۷: ۳/ ۲۴۰) امام (ع) حاضر نیست که به خاطر منافع افرادی خاص و جلب رضایت آنان عدالت را رها کرده و از حق محرومان چشم‌پوشی کند زیرا این عمل مخالف با قرآن و سنت رسول خداست و عدول از راه خداست.

آن حضرت، در نامه‌ای به مصقله پسر هبیره، پس از بازخواست و توبیخ وی به جهت رعایت نکردن اصل عدل و انصاف در بیت‌المال، به وی گوشزد می‌کند که حق همه مسلمانان در تقسیم بیت‌المال برابر است و نباید کسی بر دیگری ترجیح داده شود. (نهج البلاغه، ۱۳۹۳: ۳۹۳) زیرا منافی است که متعلق به همه مسلمانان باشد باید با عدالت بین همه تقسیم شود.



امیرالمؤمنین (ع) در تقسیم بیت‌المال نسبت به نزدیک‌ترین خویشاوندان خود نیز عدالت را رعایت می‌کردند. از جمله عقیل برادر آن حضرت که از ایشان درخواست کرده بودند به علت سختی معیشت مقداری از بیت‌المال به وی ببخشد. امام بخشیدن از بیت‌المال را برابر با دزدی از همه مسلمانان معرفی کرد و به عقیل یادآور شد که بیت‌المال از آن مردم است و امام نمی‌تواند در آن دخل و تصرف کند (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۱۳۹/۳) همچنین در جایی دیگر وقتی ام هانی خواهر امام علی (ع) بخاطر سهم برابر وی و کنیز عجمش به امام اعتراض کرد امام در پاسخ وی فرمود: که در قران برتری عرب بر عجم را ندیده است. (مفید، ۱۴۱۳: ۱۵۱).

همچنین در رابطه با حساسیت امام در بیت‌المال آمده است که امام به کارگزاران خویش فرمود: «قلم‌های خود را دقیق بگیرید، و نزدیک بهم بنویسید، چیزی که برایم می‌نویسید، مطالب غیر ضروری را حذف کنید، در القاء معانی میانه روی نمایید، از زیاده روی دوری گزینید، زیرا اموال مسلمانان نباید ضرر بیند و حیف و میل گردد» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۵/۴۱)

آن حضرت، در رعایت عدالت حتی حق مخالفان را نیز می‌داد. چنانچه خطاب به خوارج فرمود: «شما می‌دانید همانا، رسول خدا (ص) دست دزد را برید و زناکاری را که همسر نداشت، تازیانه زد و سپس آنان را از غنائم (بیت‌المال)، بهره داده است» (بحرانی، ۱۴۱۷: ۲۴۳/۳) امام علی (ع) بر این باور است که باید حقیقت اسلام، عملی شود. اگر کسی گناه کرده، باید به همان مقدار، مجازات شود، ولی این گناه و مجازات، سبب محروم شدن از حقوق شهروندی و سهمیه او از بیت‌المال نمی‌شود، همان گونه که خویشاوندی و یا موقعیت اجتماعی، سبب افزایش سهمیه از بیت‌المال نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

رسول خدا (ص) پس از هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی در برابر حملات مشرکان به مقابله با آنان پرداخت. در جنگ‌های مسلمانان علیه مشرکان گاهی غنیمت‌هایی بدست می‌آمد. مدیریت غنائم توسط پیامبر اسلام (ص) در این دوران قابل تأمل و تحلیل است. آن حضرت همواره بر اساس دستورات الهی و اجرای عدالت غنائم جنگی را تقسیم می‌کردند. پیامبر اکرم (ص) بارها با



اعمال و رفتار خود به مسلمانان تاکید می‌کردند که به خاطر غنائم از دین فاصله نگیرند. رسول خدا (ص) با مدیریت درست، غنائم را وسیله‌ای برای اجرای عدالت و از بین بردن فاصله طبقاتی بکار برد. پس از رحلت رسول خدا (ص) و گسترش فتوحات در دوره خلفا، غنیمت‌های بسیاری از شرق و غرب بدست مسلمانان افتاد. مدیریت غنائم در آن برهه از زمان اهمیت ویژه‌ای داشت. خلیفه دوم برای تقسیم غنائم دفتر تشکیل داد و بر اساس سابقه افراد به آنان از غنائم سهم می‌داد. این عمل موجب طبقاتی شدن جامعه شد. سپس گروهی شکل گرفت که در گذر زمان این امتیاز را حق خود دانسته و حاضر نبودند از آن دست بکشند.

امتیازدهی در دوره خلیفه سوم نیز بیش از پیش ادامه داشت. غنائم بسیاری که بدست مسلمانان افتاده بود اعراب بادیه نشین را به فساد کشاند مردم از ساده زیستی اوایل اسلام فاصله گرفتند. نقش دین در جامعه کم رنگ شد و دنیاگرایی رواج یافت. جامعه اسلامی در آن برهه از زمان بشدت از اسلام ناب فاصله گرفته بود. سرازیر شدن غنائم بسیار میان اعرابی که تا قبل از اسلام در شرایط دشواری زندگی می‌گزراندند و عدم مدیریت صحیح غنیمت‌ها و بیت‌المال و امتیازدهی توسط خلفای نخستین جامعه اسلامی را از اسلام نابی که رسول خدا (ص) پایه‌ریزی کرده بود دور گردانید. امتیازات اعطا شده موجب نفوذ افراد خاصی در جامعه شده بود. همین افراد در دوره خلیفه سوم بیش از پیش به نفوذ خود در جامعه ادامه دادند و وقتی خلیفه برای گروهی از نزدیکان خویش امتیازات بیشتری در نظر می‌گرفت همین افراد به تحریک مردم علیه وی پرداختند تا وی به قتل رسید.

همین که امام به خلافت رسید امتیازات را لغو کرد. خواص و سران که موقعیت خود را در خطر می‌دیدند به مقابله با امام پرداختند. در حقیقت اگر نگاهی به مهم‌ترین مخالفان امام علی (ع) بیافکنیم خواهیم دید که همه از سران و افراد با نفوذ در دوره سه خلیفه نخست بودند. طلحه و زبیر پس از آن که امام امتیازی به ایشان نداد جنگ جمل را برپا کردند. قاعدین که همه افراد با نفوذی بودند با توجه به عدالت علی (ع) می‌دانستند جایگاهی در خلافت آن حضرت ندارند و افکار عموم را آشفته کردند. معاویه که مهم‌ترین دشمن امیرالمؤمنین (ع) بود وقتی توسط امام برکنار شد به مقابله با آن حضرت



پرداخت. سران قریش وقتی امام علی (ع) اموال بیت‌المال را از ایشان پس گرفت به مخالفت با وی پرداختند. حتی کارگزاران آن حضرت به دلایل مالی و دنیاپرستی آن حضرت را تنها گذاشتند. در یک ارزیابی کلی باید گفت که رسول خدا (ص) با مدیریت درست غنیمت‌ها بر اساس قرآن و عدالت از فساد مالی، دنیاگرایی و ایجاد طبقات اجتماعی در جامعه جلوگیری کرد. درحالی که در دوره پس از آن رویه‌ای ناعادلانه در تقسیم غنائم و بیت‌المال بر اساس وابستگی و منافع سیاسی در پیش گرفته شد. نتیجه اتخاذ این عمل ایجاد فاصله طبقاتی و امتیازهایی بود که موجب شد تا جامعه اسلامی به ویژه گروه عمده‌ای از نخبگان مسلمان که از جمله صحابه پیامبر (ص) بودند و سابقه جهاد درکنار رسول خدا را داشتند تغییر رفتار دهند. همین تغییر رفتارها موجب شد تا بسیاری به دنیاپرستی روی آورده و از اسلام حقیقی غافل شوند که موجب فتنه‌های بسیاری در دوره خلافت امام علی (ع) شد.

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان این فرض را مطرح کرد که جامعه اسلامی در تمام ادوار اگر به هر علتی در مدیریت بیت‌المال دچار نقصان شود و امتیازاتی بدون نص صریح و یا دلیل عقلی و دینی برای افرادی خاص مد نظر گیرد آن جامعه به سمت فساد مالی و دنیاگرایی کشیده می‌شود. و این گونه بسترهای مناسبی برای ایجاد فتنه‌های سیاسی و مخالف عدالت‌طلبی محیا می‌شود.

منابع

قرآن مجید

نهج البلاغه (۱۳۹۳). ترجمه محمد دشتی، تهران: انتشارات پیام مقدس.

ابن ابی الحدید، ابو حامد عبد الحمید بن هبئه (۱۳۷۸-۱۳۸۳). شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، قم، مکتبه آیه الله المرعشی.

ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱). کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.



- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۳۷۲). **الفتوح**، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن شهر آشوب، ابی جعفر رشیدالدین محمد (بی تا). **مناقب آل ابی طالب**، المطبه العلمیه قم: یطلب من مکتبه السید اسدالله الطباطبایی والسید محمود الصحفی با المدرسه الفیضیه قم.
- ابن عطیه، جمیل حمود (۱۴۲۳). **أبهی المداد فی شرح مؤتمر علماء بغداد**، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- ابن هشام، (بی تا). **زندگانی محمد (ص) رسول خدا (ص) اسلام** ترجمه سیره النبویه، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- ابن کثیر، الامام الحافظ ابی الفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی (۱۹۹۲ م- ۱۴۱۲ هـ ق). **البدایه و النهایه**، بیروت: الدار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، جمال الدین ابو الفضل (۱۴۱۴). **لسان العرب**، بیروت: دارالفکر-دارصادر.
- اسکافی، ابوجعفر (۱۴۰۲). **المعیار و الموازنه**، بیروت: بی نا.
- بحرانی، کمال الدین میثم بن علی (۱۴۱۷). **شرح نهج البلاغه (ابن میثم)**، ترجمه محمدی مقدم و نوایی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۹). **ساختار فهم سیاسی اسلام**، بی جا: دانش سیاسی.
- بلاذری، احمد ابن یحیی (۱۹۳۶). **انساب الاشراف**، اهتمام گوتین، جزء پنجم، چاپ خانه دانشگاه اورشلیم.
- _____ (۱۳۳۷). **فتوح البلدان**، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۲). **تاریخ سیاسی اسلام؛ تاریخ خلفا**، قم: دلیل ما.
- حسینی واسطی زبیدی، سید مرتضی (۱۴۱۴). **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: دارالفکر.
- دینوری، ابن قنیه (۱۳۸۴). **امامت و سیاست (تاریخ خلفا)**، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران: انتشارات ققنوس، چ ۲.
- رازی، فخرالدین (۱۴۲۰). **تفسیر مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۳.



- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا). مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالقلم.
- سالم، عبدالعزیز (۱۳۹۱). تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدری نیا، تهران: علمی و فرهنگی، چ ۴.
- شاطبی، ابواسحاق (۱۴۲۰). الاعتصام، بیروت: دار المعرفه.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). الإختصاص، قم: کنگره شیخ مفید.
- طباطبایی، سیدمحمدباقر موسوی (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶). مجمع البحرين، تهران: مرتضوی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مرتضی شریف، سید ابوالقاسم علی بن حسین (۱۴۰۵). رسائل الشریف مرتضی، قم: دار القرآن الکریم.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (۱۳۴۴). مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____ (۱۳۴۹). التنبيه و لاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹). المغازی (تاریخ جنگ‌های رسول خدا (ص))، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی، ج ۲، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، چ ۶.